



زنده باد مبارزه و مقاومت ستم‌دیدگان کردستان

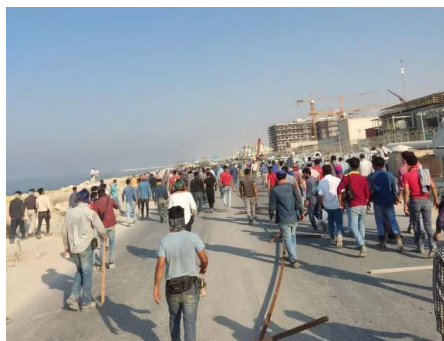


از شنبه ۲۶ شهریور روز خاکسپاری ژینا در سقز که با تظاهرات علیه جمهوری اسلامی در سقز و سنجق قیام توده‌های ستم‌دیده‌ی ایران آغاز شد، تا یکشنبه ۲۴ مهرماه یعنی قریب به یک ماه، کردستان قهرمان در برابر نیروهای مسلح حکومت اسلامی همچنان می‌خروشد.

توده‌های ستم‌دیده کرد در استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و ایلام به‌رغم جانفشاندن حداقل ۳۲ نفر، زخمی‌شدن بیش از ۱۵۰۰ نفر و دستگیری حداقل ۲۵۰۰ نفر، در تمام این مدت نه تنها قدمی به عقب برنداشتند، بلکه با تجربه‌ی یک ماه مبارزه که تجربه‌ی سالیان را برای مردم ایران در سرتاسر کشور به‌همراه داشته است، مزدوران رژیم را درمانده و روحیه‌ی رزمندگی و باور به پیروزی در میان نه فقط مردم کردستان بلکه سرتاسر ایران را تقویت کردند. "کردستان، کردستان، چشم و چراغ ایران" شعار دانشجویان آگاه علامه، بیان روشن نقش مقاومت و مبارزه قهرمانانه توده‌های ستم‌دیده کردستان در برابر رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی است. در روزهای گذشته، بویره شهر سنجق به مرکز مقاومت در برابر حاکمان جانی و در عین حال بزدل و ترسو تبدیل شد. روز شنبه ۱۶ مهر

در صفحه ۲

اهتزاز پرچم اعتصاب سیاسی در نفت



پرچم اعتصاب سیاسی در نفت به اهتزاز درآمد. اعتصاب سیاسی در صنعت نفت، صفحه نویی را در مبارزه طبقه کارگر گشود. این اعتصاب که در اعتراض به سرکوب و کشتار زنان و جوانان و در حمایت از نبردهای خیابانی جاری در سراسر کشور آغاز شد و قلب نظام اسلامی حاکم را نشانه رفت، جنبش طبقه کارگر و کل جنبش انقلابی را وارد فاز جدیدی کرد. اعتصاب و اقدام برجسته کارگران پروژه‌ای و

در صفحه ۳

چه شکوهی دارد شور و شوق مبارزاتی دانش آموزان!

مبارزات سلحشورانه توده های مردم ایران چهارمین هفته خود را با شجاعتی کم نظیر پشت سر گذاشت و با دلی سرشار از امید و شوق و انتظار وارد پنجمین هفته جنگ و گریزهای شهری با نیروهای فاشیست جمهوری اسلامی شد. در این چهار هفته، ابعاد مبارزات قهرمانانه مردم ایران و تداوم قیام و نبردهای خیابانی آنان، آنچنان پر غرور و حماسه ساز و شورانگیز بوده

در صفحه ۵



خامنه‌ای یاوه‌سرائی می‌کند،

راهی برای نجات جمهوری اسلامی باقی نمانده است

ارتجاع، زبان دیگری جز تهدید و زور نمی‌شناسد. بر این پندار خام است که جامعه ایران، جامعه چهار دهه گذشته است و با همان شیوه‌های ارباب، سرکوب و کشتار می‌تواند مردم را مرعوب و اوضاع را تحت کنترل درآورد. لذا، درحالی‌که موج تظاهرات توده‌ای و نبردهای خیابانی در ایران روزبه‌روز وسعت بیشتری به خود گرفته، ارتجاع حاکم برای مقابله با سیل خروشان جنبش توده‌ای، پیوسته نیروی بیشتری از مزدوران سرکوبگرش را به خیابان‌ها گسیل کرده است. سران و مقامات جمهوری اسلامی از

در صفحه ۱۲

مرگت باد ای آیت مرگ و نیستی

۸

توطئه کشتار زندانیان سیاسی اوین را خنثی کنیم

۱۱

جان زندانیان سیاسی در زندان اوین در خطر است!

۹

زنده باد کارگران صنعت نفت پیش به سوی

اعتصابات سراسری کارگری

۹

پیام کمیته اجرایی سازمان
فدائیان (اقلیت) به کنگره دهم
حزب کمونیست
کارگری ایران - حکمتیست

در صفحه ۷

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

زنده باد مبارزه و مقاومت ستم‌دیدگان کردستان

همگام با خروش توده‌ها در بسیاری از شهرها که از اعتراضات و تظاهرات دانش‌آموزان و دانشجویان در طول روز شروع و تا پاسی از شب طول کشید، روزی که توده‌ها یک روز کم‌ظیر از مقاومت و مبارزه را در پهنای ایران رقم زدند، شهرهای کردستان، بویژه سنندج یکپارچه آتش بودند، آتش خشم توده‌ها، آتش خشم زنان، آتش خشم جوانان.

در سنندج، اعتراضات نه متمرکز که از محلات آغاز شد و بسیاری از خیابان‌ها و محلات شهر را فرا گرفت، از جمله خیابان‌های سعدی، جامجم، کشاورز، بلوار کردستان، حسن‌آباد و چهارراه مادر، آن‌هم در شهری که مانند بسیاری از شهرهای دیگر یکپارچه در اعتصاب بود.

فعالین و هواداران سازمان ما در کردستان که در این روز همراه با سایر توده‌ها در خیابان‌ها حضور داشتند، در توصیف مبارزه قهرمانانه مردم سنندج در این روز نوشتند: "در سنندج گروه‌های متعددی از زنان و جوانان مبارز در گروه‌های چند نفره به صورت غیر متمرکز در چندین نقطه شهر از جمله در خیابان فردوسی، حسن‌آباد و خیابان ادب با سردادن شعارهای ضد حکومتی به نبرد با مزدوران حکومتی برخاستند... در خیابان ادب نزدیک به صد تن از جوانان و زنان جسور و مبارز با آتش زدن چند حلقه لاستیک، خیابان را مسدود کردند و با شعار مرگ بر دیکتاتور و "زن زندگی آزادی" به جنگ‌وگریز با مزدوران حکومتی پرداختند. درحالی‌که نیروهای سرکوب با شلیک گاز اشک‌آور و گلوله‌های ساچمه‌ای به روی مردم تیراندازی می‌کردند، جوانان شجاع و زنان جسور و مبارزی که با روسری وداع کرده بودند، با کوکتل مولوتف و سنگ و کیسه‌های پلاستیکی بزمین، پاسخ مزدوران را می‌دادند. به‌رمغ آن‌که نیرو و تجهیزات نظامی زیادی در خیابان‌های سنندج مستقر شده‌اند و سرکوب‌گران همه‌گونه وسایل سرکوب با خود حمل می‌کنند، اما آشکارا از زنان و مردان مبارزی که به نبرد خیابانی و جنگ‌وگریز روی آورده بودند می‌ترسیدند و جرأت نزدیک شدن به مبارزان را نداشتند. جوانان مبارز سنندج برخی خیابان‌ها را به تسخیر خود درآوردند. ورودی همدان- سنندج را مسدود کردند و برخی مأموران سرکوب را نیز فراری دادند."

براساس اخبار منتشره در این روز چهار نفر از فرزندان قهرمان سنندج با نام‌های پیمان منبری، داریوش عزیزاده، محمد امینی و یحیی رحیمی در راه آزادی و برابری به خیل جان‌شنانان مردم ستم‌دیده‌ی ایران پیوستند. یحیی رحیمی تنها به جرم همراهی با معترضان از طریق به صدا درآوردن بوق ماشین توسط دژخیمان جمهوری اسلامی با شلیک مستقیم گلوله به سرش به قتل رسید. در این روز مزدوران رژیم حتماً به داخل خانه‌های مردم گاز اشک‌آور شلیک کردند.

شدت اعتراضات و فراگیری آن در سنندج و دیگر شهرهای کردستان به‌گونه‌ای بود که استاندار کردستان به‌بهانه‌ی "تولد محمد براساس تقویم اهل سنت" روز یکشنبه ۱۷ مهر را برای تمامی مدارس و مراکز آموزش عالی تعطیل

ورود نیروهای نظامی از جمله "لیباس شخصی‌ها" به مدارس، شلیک به داخل مدرسه و حتماً آسیب رساندن به دو معلم اعتراض کردند.

در همین روز بار دیگر سنندج و دیگر شهرهای کردستان شاهد مبارزه و مقاومت مردم در برابر مزدوران رژیم بود و درگیری‌ها در دوشان، حاجی‌آباد و نایی‌سر تا بامداد ادامه یافت. جوانان سنندج در خیابان‌ها و کوچه‌ها با ایجاد سنگر به مقابله با مزدوران رژیم برخاستند. در این روز نیز حداقل ۳۷ نفر زخمی شدند. در بانه مزدوران رژیم با سوار کردن اسلحه بر روی وانت به معترضان حمله کرده و به سمت‌شان شلیک کردند. کار به جایی رسید که در بوکان برای انتقال بازداشتی‌ها از وانت استفاده کردند.

در روزهای شنبه و یکشنبه اعتراضات به مانند روزهای گذشته در بسیاری از شهرهای کردستان ادامه یافت و این در حالی بود که بویژه شهر سنندج با حضور گسترده نیروهای سرکوب، بیشتر به منطقه جنگی شبیه شده بود. در روز شنبه سقز، شهر ژینا، مردم تا پاسی از شب به اعتراضات خود ادامه دادند. در مهاباد نیز مزدوران رژیم برای مرعوب کردن مردم با اسلحه کلاشینکوف به سمت خانه‌ها و پنجره‌ها شلیک کردند و تعداد زیادی از معترضان نیز مجروح شدند.

واقعیت غیرقابل انکار این است که رژیم با وجود به‌کارگیری تمامی ابزارهای سرکوب خود از نیروهای مسلح تا زندان و شکنجه، و حتماً کشتار کودکان و حمله به مدارس، نتوانست توده‌ها از جمله دانش‌آموزان را گامی به عقب براند. "اقتدار" حاکمیت، ترس از کشتار و ترس از زندان هر روز بیشتر از روز قبل در میان توده‌ها رنگ می‌بازد. جمهوری اسلامی که با مقاومت مردم کردستان در برابر سرکوب تحقیر شده بود، برحسب عادت سرش را مانند کبک زیر برف کرد و بار دیگر به ریسمان پوسیده "تجزیه‌طلبی" متوسل شد، همان‌طور که کشتار مردم زاهدان در جمعه سیاه را نیز به "تجزیه‌طلبان" نسبت داده بود. اما همگان می‌دانند که این دروغ بی‌شرمانه تنها برای ایجاد نفاق و دودستگی بین مردم است. سیاستی که هیچ خریداری در میان توده‌های بی‌باخته علیه ظلم و بیاد ندارد و این را در شعارهای سرداده شده در اعتراضات خیابانی می‌بینیم.

احمد وحیدی که چند روز بعد از جمعه سیاه زاهدان به این شهر سفر کرده و کشتار را به گردن "تجزیه‌طلبان" انداخته بود، این بار نیز با سفر به کردستان همان داستان نخنما را تکرار کرد. این فرمانده پیشین سپاه قدس که در کابینه رئیسی به وزارت کشور رسید، با بیان این‌که "اغتشاشگران حمایت‌شده، طراحی‌شده و هدایت‌شده گروه‌های تجزیه‌طلب هستند"، با وقاحتی که هیچ مرزی را نمی‌شناسد گفت: "مردم عزیز و شریف کشور و کردستان اصلاً نگران امنیت نباشند، نیروهای قدرتمند نظامی و انتظامی با اغتشاشگران و لیدرهای آنان برخورد محکم کرده و برخورد خواهند کرد و تلاش مذبحانه آنان که موجب مزاحمت مردم شده را سر جای خود خواهند نشاند."

این خدمت‌گزار فساد و تباهی آن‌قدر کودن است که نمی‌فهمد این داستان‌سرایی‌ها دیگر حتماً در میان عناصر وابسته به حاکمیت نیز خریداری

اعلام کرد!! اقدامی که هرگز مسبوق به سابقه نبود. این کار استاندار نتیجه‌ی اعتراضات گسترده دانش‌آموزان در مدارس استان بویژه سنندج بود.

اما نه تعطیلی مدارس و نه اقدامات وحشیانه مزدوران رژیم از جمله حمله به مدارس نتوانستند فریاد خروشان مردم کردستان را خاموش سازند. برعکس روز دوشنبه به روز کم‌ظیر دیگری از جان‌فشانی، فداکاری و مبارزه و مقاومت در برابر مزدوران مسلح رژیم تبدیل گردید.

شدت خشونت مزدوران رژیم به‌حدی بود که سازمان عفو بین‌الملل را بر آن داشت تا با صدور اطلاعیه‌ای ضمن هشدار در مورد کشتار معترضان در کردستان و بویژه سنندج، به استفاده از قوه قهریه علیه معترضان توسط رژیم اعتراض کند. در این روز درگیری بین مردم و مزدوران رژیم تا پاسی از شب ادامه یافت. مزدوران رژیم در این روز از تفنگ‌های مخصوص تک‌تیراندازی با گلوله کالیبر ۵۰ استفاده کردند، حتماً به سمت خانه‌های مردم از جمله در شهرک "نایی‌سر" سنندج نیز با این گلوله‌ها شلیک کردند.

در پی اقدامات جنایتکارانه‌ی رژیم در روز دوشنبه که البته با مقاومت قهرمانانه مردم بویژه جوانان و زنان در برابر ماشین سرکوب رژیم همراه بود، فراخوان‌هایی برای برگزاری تجمع در سراسر کشور در روز چهارشنبه با عنوان "سنندج را تنها نگذاریم" و در حمایت از مبارزات و مردم سنندج و زاهدان و نیز کارگران اعتصابی در مناطق نفتی، انتشار یافت. در این روز بار دیگر سنندج و دیگر شهرهای کردستان شاهد فداکاری و قهرمانی‌های کم‌ظیر جوانان و زنان بود. در این روز از ارومیه و مهاباد تا سنندج و کرمانشاه و ایلام آتش خشم توده‌ها شعله برکشید. در محله "دره دریز" کرمانشاه سینا نادری ۲۲ ساله و آرمین صیادی ۱۸ ساله با گلوله‌های مزدوران رژیم در خون نشستند. در بوکان هلن احمدی دختر خردسال ۷ ساله هنگام بازگشت از مدرسه در حین شعار دادن با گلوله مستقیم دژخیمان رژیم ددمش جمهوری اسلامی به قتل رسید. در این شهر همچنین کمال فقیهی به خیل جان‌فشانان قیام توده‌ها پیوست. در سنندج، عزیز مرادی از شهرک "نایی‌سر" سنندج در اثر تیراندازی مزدوران رژیم به شدت زخمی شد که متأسفانه در بیمارستان درگذشت. در این روز درگیری بویژه در شهر سقز و شریف‌آباد سنندج شدیدتر بود. در دیوان‌دره نیز درگیری‌های گسترده‌ای بین مردم و مزدوران رژیم رخ داد. در روز سه‌شنبه نیز در دیوان‌دره درگیری‌ها شدید رخ داد. بوکان نیز یکی از شهرهایی بود که بین مردم و مزدوران رژیم درگیری‌های گسترده‌ای به‌وقوع پیوست و مردم یک کیوسک پلیس را به آتش کشیدند. براساس برخی از گزارش‌ها گستردگی و شدت درگیری در روز چهارشنبه حتماً از روزهای شنبه و دوشنبه نیز بیشتر بود.

در روز ۵ شنبه ۲۱ مهر گروهی از معلمان سقز با تجمع در برابر آموزش و پرورش این شهر، به

اهتزاز پرچم اعتصاب سیاسی در نفت



بوشهر و فاز ۱۴ در ۲۰ مهر نیز که مورد یورش وحشیانه یگان‌های ویژه و مزدوران امنیتی قرار گرفت دست‌کم ۱۵ کارگر بازداشت شدند. در یورش شبانه به خوابگاه کارگران پتروشیمی بوشهر و پتروشیمی هنگام نیز شمار دیگری از کارگران بازداشت و روانه مراکز سرکوب و امنیتی شدند. آمار کارگران بازداشتی بسیار بالاست اسامی تعدادی از کارگران بازداشتی به‌قرار زیر در شبکه‌های اجتماعی انتشار یافته است:

"مهدی جهانبختی، علی محمودی، هادی مولایی، نورعلی بهادری، فرید کو راوند، کامبیز مهدی، شاهین نجفی، احمد پور، فرشید مرادی، علی شاپوری، حسین سلحشور، رضا کو راوند، رسول نوروزی، امید کو راوند، امین علیرزاده، معصومی، آرمان کاوسی، اصلان سواری، حسن احمدی، صمد رفیعی، ساسان رفیعی و نیما غلامی". علاوه بر این، تعداد زیاد دیگری از کارگران نیز در زمره بازداشت‌شدگان هستند که از نام و سرنوشت آن‌ها اطلاع دقیقی در دست نیست.

علی‌رغم سرکوب خشن و انتقام‌جویانه طبقه حاکم، مبارزه و اعتصاب‌های اقتصادی و سیاسی در صنعت نفت ادامه و گسترش خواهد یافت. نارضایتی در صفوف کارگران از جمله کارگران صنعت نفت، پیوسته بیشتر و متراکم‌تر شده است. به‌رغم تشدید مبارزه و گسترش اعتصابات به‌ویژه از سال ۹۹ تاکنون، تقریباً هیچ‌یک از خواست‌ها و مطالبات کارگران اعم از کارگران رسمی یا پیمانی و پروژه‌ای و غیررسمی، پاسخ داده نشده است. کمترین تردیدی در این مسئله وجود ندارد که مبارزه و اعتصاب در صنعت نفت در سطحی بالاتر و کیفی‌تر ادامه خواهد یافت. آزادی فوری کارگران بازداشتی، هم‌اکنون به یکی از مطالبات فوری کارگران تبدیل شده است. کارگران کنگان هشدار و اولتیماتوم داده‌اند که "اگر عزیزان بازداشتی ما فوراً آزاد نشوند و نیروهای سرکوب از خیابان‌ها و محیط‌های کار ما بیرون نروند در اشکال گسترده‌تری دست به اعتراض خواهیم زد".

"شورای سازمان‌دهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت" در بیانیه‌ای که روز ۱۹ مهر انتشار داد، سرکوب و دستگیری کارگران را بشدت محکوم کرد و خطاب به نیروهای حراست و سرکوب اعلام کرد این دستگیری‌ها بهای سنگینی برای شما خواهد داشت. شورای سازمان‌دهی، ضمن فراخوان کارگران مراکز نفتی به اعتصاب سراسری خطاب به نیروهای سرکوب حکومتی اعلام کرد: "شک"

در صفحه ۴

دست به اعتراض خواهند زد و کار را تعطیل خواهند کرد و کمتر از دو هفته بعد، این هشدار عملی شد.

این اعتصاب سیاسی کسب‌نامه و تجمع کارگران پروژه‌ای که از بوشهر و عسلویه به آبادان تسری یافت، دولت حاکم را که زیر ضربات نبردهای خیابانی گیج و سردرگم شده بود، شدیداً به وحشت انداخت. شعار مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه‌ای آن‌هم در صنعت نفت و گاز و پتروشیمی که در آن شدیدترین کنترل پلیسی-امنیتی اعمال می‌شود، نقطه عطف جدیدی را در جنبش طبقه کارگر رقم زد. اعتصاب و تجمع کارگران پروژه‌ای صنعت نفت، در واقع آغازگاه اعتصابات سیاسی کارگری و نویدبخش اعتصابات سیاسی گسترده کارگری است که ورود به چنین فازی نه‌فقط پروسه سرنگونی رژیم حاکم را تسریع می‌کند، بلکه جنبش انقلابی برای به زیر کشیدن تمام نظم موجود را نیز یک گام کیفی جلوتر می‌برد. این باید برای همه اقدار و طبقات روشن باشد که با این اعتصاب سیاسی کارگری، کارگران صنعت نفت و بالاتر از آن طبقه کارگر در سلسله مبارزات خود و در روند رو به گسترش و تکامل این مبارزات، سنگر جدیدی را فتح کرده است. پرچم مبارزه آشتی‌ناپذیر طبقه کارگر، از این سنگر و بر فراز این سنگر به اهتزاز درآمد تا سنگرهای بعدی را فتح کند و مهر و نشان خود را بر تحولات جاری و آینده حک کند.

طبقه حاکم و رژیم سیاسی ارتجاعی پاسدار منافع این طبقه از این رویداد به وحشت افتادند. غریزه طبقاتی طبقه سرمایه‌دار حاکم، حکم می‌کرد فوراً دست‌به‌کار شود و در برابر آن بایستد. ارتجاع حاکم



در هراس از تسری اعتصاب سیاسی به سایر مراکز نفت و گاز و پتروشیمی، سرکوب گسترده‌ای را سازمان داد. در اثر یورش نیروهای سرکوب یگان ویژه و مزدوران اطلاعاتی-امنیتی، ده‌ها تن از کارگران در سمره عسلویه بازداشت شدند. آنها در شرکت "سینا صنعت" ۱۸ کارگر بازداشت شده‌اند. در تجمعات اعتراضی گروه‌هایی از کارگران پروژه‌ای در سایت یک پتروشیمی

پیمانی صنعت نفت، طلسم فقدان اعتصاب سیاسی کارگری را درهم شکست و راه ورود به اعتصاب سیاسی کارگری را گشود. این اعتصاب و تجمع در عین حال نشان داد در شرایطی که مشخصه اصلی آن بحران حاد سیاسی است و جامعه وارد موقعیت انقلابی شده باشد، ورود کارگران به صحنه سیاسی نیز می‌تواند با شعارها و اشکال رادیکالی از مبارزه همراه شود.

صبح روز دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ کارگران پروژه‌ای و پیمانی پتروشیمی بوشهر و کارگران پترو پالایش کنگان، در حمایت از مبارزات توده‌ای و نبردهای خیابانی و در اعتراض به سرکوب و کشتار زنان و جوانان دست به اعتصاب و تجمع زدند. کارگران در این اعتصاب و تجمع که



فراخوان آن از قبل اعلام شده بود، با سردادن شعارهایی چون: "مرگ بر دیکتاتور"، "امسال سال خونه سید علی سرنگونه"، "نترسید نترسید ما همه باهم هستیم" به نشانه اعتراض، با آتش زدن لاستیک، جاده‌های منتهی به سمره عسلویه را مسدود کردند. صبح روز سه‌شنبه ۱۹ مهر، کارگران پیمانی و پروژه‌ای شاغل در پالایشگاه آبادان نیز با تجمع در مقابل گیت ۱۴ به اعتصاب پیوستند.

اعتصاب سیاسی و حضور پرشور کارگران پتروشیمی در بوشهر، کارگران عسلویه و کارگران پالایشگاه آبادان در این اعتصاب، در پیچه‌ی تازه‌ای به روی پیوند عملی و همبستگی کارخانه و خیابان گشود. این اعتصاب و تجمع نه‌فقط همبستگی کارگران صنعت نفت با خیزش‌ها و قیام‌های شهری را در عمل به اثبات رساند، بلکه بر زمینه شرایط سیاسی جامعه و بحران و موقعیت انقلابی، با شعارهای رادیکال و اقدامات تعرضی مستقیمی چون آتش زدن لاستیک و ایجاد راجندگان همراه بود. اما این تمام ماجرا نبود، اعتصاب سیاسی کارگران صنعت نفت در عین حال طلسم غیبت اعتصابات سیاسی کارگری را نیز درهم شکست و راه، بر گسترش مبارزات و اعتصابات سیاسی کارگری گشود.

کارگران پیمانی و پروژه‌ای و "شورای سازمان‌دهی مبارزات کارگران پیمانی نفت" در بیانیه مورخ ۴ مهر هشدار داده بودند، در صورت ادامه بازداشت‌ها و کشتار و سرکوب و اعمال زور و فشار بر زنان و جوانان، کارگران پروژه‌ای نیز ساکت نخواهند نشست و "همصدا با همه مردم"

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

اهتزاز پرچم اعتصاب سیاسی در نفت



بستن شیر نفت، پا بر گلی این ظالمان بفشاریم و اجازه ندهیم عرق جبین کارگران را به پول برای سرکوب مردم ستمدیده، عزیزان و هم‌زمان تبدیل کنند... ما کنار شمایم و مطمئن باشید تلاش هرروزه شما برای گسترش اعتصابات همراه خواهد بود با حمایت رو به گسترش از شما و اعتصابان در دانشگاه‌های بیشتر، ما همسنگران اجازه نمی‌دهیم این بار این جانان که خونمان را در شیشه کرده‌اند، از این مهلکه جان سالم به در ببرند!"

علاوه بر دانشجویان، معلمان، نویسندگان، هنرمندان، دانش‌آموزان، زنان و جوانان و دیگرانی که درگیر خیزش‌ها و نبردهای خیابانی و مبارزه با رژیم‌اند نیز باید به حمایت از کارگران برخیزند و خواهان آزادی کارگران دستگیر شده و بازگشت به کار آنان شوند.

اعتصاب سیاسی کارگران پروژه‌های صنعت نفت گرچه سرکوب شد و گرچه هنوز با یک اعتصاب سیاسی سراسری فاصله زیادی داشت، اما آغاز راه و روشی بود که بایستی طی شود. اهتزاز پرچم اعتصاب سیاسی در نفت را باید نقطه عطفی در مبارزات و در جنبش طبقه کارگر تلقی کرد. با اعتصابات سیاسی موردی و فرارویی و گسترش آن به اعتصاب‌های سیاسی سراسری بی‌تردید تشکل و آگاهی طبقه کارگر نیز به سرعت ارتقا می‌یابد و زمینه تجهیز و آمادگی این طبقه برای اعمال هژمونی و رهبری جنبش انقلابی و به زیر کشیدن تمام نظم موجود نیز فراهم‌تر می‌شود. گسترده باد اعتصابات کارگری و زنده باد اعتصابات سیاسی کارگری.

است، در راه تحقق شعار "کارگر، دانشجو، اعتصاب اتحاد" نیز پیش‌قدم شد و پیام عملی اتحاد فرستاد. این اعتصاب در عین حال نشان داد هرچه نبرد خیابانی قدرتمندتر ظاهر شود و بیشتر دوام آورد، احتمال بروز و گسترش اعتصاب‌های کارگری به‌ویژه اعتصاب‌های سیاسی کارگری نیز بیشتر می‌شود. با این اعتصاب، جامعه ملت‌هایی که آغوش به روی طبقه کارگر گشوده و ورود کارگران را انتظار می‌کشید، رنگ دیگری به خود گرفت. اعتصاب سیاسی اخیر کارگران پروژه‌های صنعت نفت، در عین حال یک خاصیت دیگری هم داشت و آن این بود که دهان گرایش‌های گوناگون بورژوازی پاموگو را که مدام کارگران را تحقیر می‌کردند که چرا ساکت نشسته‌اند، چرا به میدان نمی‌آیند و غیره، بست. در عین حال به دغدغه برخی چپ‌ها و اظهارات شبه چپ‌ها نیز که از موضع طلبکارانه و بدون در نظر گرفتن شرایط مشخص و موقعیت طبقه کارگر، عدم ورود این طبقه به عرصه مبارزه سیاسی را ابزاری برای حمله به کارگران تبدیل کرده بودند، پایان و به آن پاسخ داد. اعتصاب سیاسی کارگران نفت، در عین حال امید تازه‌ای در صفوف اعتراضات و نبردهای خیابانی میدید.

نکته بسیار مهم در لحظه حاضر حمایت جدی از کارگران نفت و تلاش و مبارزه برای آزادی کارگران بازداشتی و زندانی است. کارگران مبارز پروژه‌های و پیمانی صنعت نفت با اعتصاب سیاسی و شعارهای رادیکال خود، ضمن حمایت از نبردهای خیابانی، با معترضین این عرصه اعلام همبستگی کردند. اکنون وقت آن است که توده‌های مردم به پا خاسته شهرهای کشور نیز در اعتراضات خود ضمن اعلام همبستگی با کارگران نفت، خواستار آزادی فوری کارگران زندانی شوند. کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، می‌تواند و باید به یکی از شعارهای خیابان تبدیل شود و پیوند میان کارخانه و خیابان را تحکیم بخشد.

خوشبختانه دانشجویان آگاه و مبارز گام‌های خوبی در این زمینه برداشته‌اند و در بیان خود با عنوان "در حمایت از اعتصابات آغاز شده کارگران نفت و پتروشیمی" مورخ ۲۱ مهر، ضمن حمایت از کارگران نفت نوشته‌اند: "بباید با

نداشته باشید که ما کارگران پروژه‌های نفت در زندگی و معیشتمان در مناطق پادگانی نفت و در زیر چنگ پیمانکاران بی‌رحم و چپاولگر سال‌هاست که به یغما رفته است، با این سرکوبگری ساکت نخواهیم شد و به شما قول می‌دهیم که با قدرت بیشتری به اعتراضاتمان علیه این سرکوبگری‌ها و برای آزادی همکاران بازداشتی به میدان خواهیم آمد."

کارگران شاغل در سکوی نفتی پارس جنوبی نیز با انتشار پیامی ویدئویی ضمن اعلام همبستگی با اعتصابات کارگران پروژه‌های خطاب به مزدوران حکومتی و نیروهای مسلح رژیم هشدار دادند که دست از سرکوب مردم بردارند و چنین هشدار دادند که "اگر اسلحه را زمین نگذارید، هر چه ساختیم، تخریب می‌کنیم!" افزون بر این، بعد از این اعتصاب، زرمه روی‌آوری به اعتصاب در



برخی مراکز نفت و گاز و پتروشیمی در شهر لامرد، پروژه‌های پارس جنوبی و نیز منطقه صنعتی ماهشهر بالا گرفته است.

ارتجاع حاکم که نسبت به اهمیت حیاتی اعتصاب سیاسی کارگران صنعت نفت و تأثیر آن روی کل پروسه مبارزات کارگری و توده‌های آگاه بود، با شتاب بیش از حدی گله‌های مزدور سرکوبگر خود را به منطقه اعزام نمود تا با حربه سرکوب و دستگیری‌های گسترده مانع سرایت اعتصاب به سایر کارگران شود. اعتصاب گرچه با قوه قهریه طبقه حاکم سرکوب شد، اما این اقدام از اهمیت اعتصاب سیاسی کارگران صنعت نفت نمی‌کاهد چراکه این اعتصاب در حال کار و رسالت خود را در لحظه انجام داد. با این اعتصاب در واقع گام اول اعتصاب سیاسی کارگری در شرایط بحرانی و متلاطم جامعه برداشته شد. این اعتصاب نشان داد که کارگران نفت طی سلسله مبارزات خصوصاً اعتصابات سراسری و فراگیر خود از سال ۹۹ به بعد، تجارب زیادی آموخته و آمادگی‌های بیشتری برای ورود مؤثرتر به صحنه مبارزه سیاسی کسب نموده‌اند. کارگرانی که بارها با خواست‌های اقتصادی و صنفی دست به اعتصاب زده بودند و حتی در مقیاس سراسری، طبقه حاکم را به چالش کشیده بودند، اکنون با شعارهای مستقیم و رادیکال سیاسی، قلب نظام را نشانه رفتند. نفت نه فقط در حمایت از خیابان وارد عرصه نبرد شد، بلکه در شرایطی که اعتصابات سراسری و سیاسی دانشجویان، تمام کشور را فرا گرفته



رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک

اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه

برانداخت.

کار - نان - آزادی - حکومت شورانی

چه شکوهی دارد شور و شوق مبارزاتی دانش آموزان!



خامنه ای که مجوز خشونت و کشتار کودکان و دانش آموزان را صادر کرد، در قامت یک فاشیست تمام عیار ظاهر شده و علیه دانش آموزان دستگیر شده یاره سرایی کرده است.

به رغم اینکه تا کنون ده ها دانش آموز کشته و صدها دانش آموز نیز در خیابان و مدرسه دستگیر شده اند، یوسف نوری، این مرتجع فاشیست که بر صندلی وزارت آموزش و پرورش نشسته است، روز چهارشنبه ۲۲ مهر در مصاحبه با روزنامه شرق گفت که تعداد کمی از دانش آموزان دستگیر شده اند. علاوه بر دروغ بافی در مورد تعداد دستگیر شدگان، او همچنین ادعا کرد که هیچ دانش آموزی در مدرسه دستگیر نشده است. این ادعای کذب یوسف نوری در شرایطی مطرح شده که پیش آن در ویدئوهای منتشر شده، و ن های بدون پلاک در داخل مدارس مشاهده شده اند. روشن است که این و ن های بدون پلاک نیروهای امنیتی هرگز برای پخش شیرینی و گل وارد مدارس نشده اند، بلکه حضور آنان یقیناً برای سرکوب و دستگیری دانش آموزان بوده است.

نمونه دیگر تهاجم نیروهای امنیتی به هنرستان فنی حرفه ای در شهرستان کرج است. نیروهای امنیتی برای بازداشت دانش آموزان معترض به این دبیرستان یورش بردند، اما از آنجایی که معصومه عقاب نشین، مدیر شجاع این هنرستان با پاک کردن فیلم دوربین های مداربسته حاضر به همکاری با نیروهای امنیتی نشد، روز بعد خود این مدید متعهد در مقابل چشمان دانش آموزان بازداشت شد.

در مقابل این تجربه عدم همکاری مدیر مدرسه کرج با نیروهای امنیتی، در عوض ما با مدیران دیگری همانند مدیر دبیرستان شاهد اردبیل مواجه ایم که با نیروهای امنیتی همکاری نزدیک داشته و با بی مسئولیتی تمام دانش آموزان را به قتلگاه رژیم فرستاده است. این مدیر مزدور و تمامی آن دسته از مدیران و مسئولان مدارس که برای دستگیری و سرکوب دانش آموزان با رژیم و نیروهای امنیتی همکاری می کنند، باید بدانند که رفتار و اعمالشان در حافظه دانش آموزان ثبت می شود و آنان در آینده ای نه چندان دور باید پاسخگوی اینگونه رفتارهای کثیف و خائنانه خود باشند.

سخنان یوسف نوری اما فقط به دروغ بافی در مورد آمار دانش آموزان دستگیر شده خلاصه نمی شود. او در ادامه سخنان اش مدعی شده است: "دانش آموزی در زندان نداریم و مواردی هم اگر بازداشت باشند، برای اصلاح و تربیت است که در مرکز روان شناسی هستند و دوستان کارشناس کارشان را انجام می دهند تا بعد از اصلاح به محیط مدرسه بر گردند". (تاکید از ماست)

سرکوب و دستگیری دانش آموزان و به طور

غیر قابل تصور بود که تا کنون نیروهای امنیتی رژیم صدها دانش آموز را دستگیر، تعدادی را اخراج و ده ها دانش آموز را نیز در کف خیابان ها کشتار کرده اند. تا جاییکه شورای هماهنگی تشکل های صنفی معلمان در بیانیه روز سه شنبه ۱۹ مهر، از کشته شدن دست کم ۲۸ دانش آموز در جریان اعتراضات اخیر خبر داده است. این شورا همچنین با اظهار نگرانی از دستگیری گسترده دانش آموزان و بی خبری از وضعیت آنان اعلام کرده است: "از وضعیت و محل نگهداری این دانش آموزان اطلاعی در دست نیست".

شورای هماهنگی تشکل های صنفی معلمان همچنین با تاکید بر اینکه سیاست "وحشت افکنی" در مدارس، دانش آموزان را بی پروا تر کرده است، در مورد شرایط ظالمانه تحمیل شده بر آنان نوشت: "سال تحصیلی جدید با سرکوب و شلیک مستقیم گلوله به بسیاری از نوجوانان دانش آموز آغاز شد؛ اما این سیاست رعب، وحشت افکنی و رفتارهای ظالمانه، دانش آموزان را به سرنوشت خود و دیگر هموعانشان حساس تر و آگاه تر کرد و امروز، صحنه های باشکوه اعتراض های دانش آموزان به ویژه دانش آموزان دختر را در مدرسه شاهدیم". شورا هماهنگی، همچنین در اطلاعیه دیگری که روز پنجشنبه ۲۱ مهر انتشار یافت، از حمله نیروهای امنیتی به مدرسه دخترانه شاهد در اردبیل خبر داده است. در این حمله که با همدستی مدیر و مسئولان این دبیرستان با نیروهای امنیتی صورت گرفت، تا کنون یک دانش آموز به نام آیتک به دلیل ضربات وارده جان باخته، دانش آموز دیگری در حالت کما به بیمارستان انتقال یافته، ۱۰ دانش آموز هم زخمی و دستکم ۷ دانش آموز نیز بازداشت شده اند.

گسترده مبارزات دانش آموزان، آتش کشیدن عکس های خمینی و خامنه ای در مدارس، حضور بی باکانه آنان در اعتراضات خیابانی، شجاعت، حماسه آفرینی و بروز خشم انفجارگونه آنان نسبت به خمینی و خامنه ای - این دو نماد ارتجاع حاکم - چنان جمهوری اسلامی و مزدوران این رژیم را به وحشت انداخته که خامنه ای و نیروهای سرکوبگر رژیم آشکارا سیاست سرکوب و دستگیری و کشتار دانش آموزان بپاخاسته را در پیش گرفته اند.

حمله به مدارس، مرگ فجیع نیکا شاکرمی و سارینا اسماعیل زاده، دو دانش آموز ۱۶ ساله ای که پس از دستگیری به قتل رسیدند و نیز دستگیری صدها دانش آموز دختر و پسر، و کشتار ده ها دانش آموز دیگر در کف خیابان ها به عینه نشان می دهد که ارتجاع حاکم پس از ۴۳ سال مغز شویی، تبلیغ خرافات دینی و تحمیل بنیان های ایدئولوژیک آموزش دینی به دانش آموزان، اکنون خود را شکست خورده این میدان نبرد می داند و از این بابت بسیار خشمگین است. عصبانگری دانش آموزان در مقابله با سرکوب و حجاب اجباری، آنچنان بر جمهوری اسلامی گران آمده است که وزیر آموزش و پرورش این رژیم سفاک که تا پیش از این هم در کسوت یک مرتجع اظهار وجود می کرد، پس از سخنان

است که نشر اخبار و تماشای صحنه های غرورانگیز آن جهان و جهانیان را به حیرت در آورده است.

طی چهار هفته گذشته، شعار "زن، زندگی، آزادی" و تصاویری از شجاعت زنان آزاده و قهرمان ایران در میادین بزرگترین شهرهای جهان نقش بسته است. علاوه بر زنان، خیزش و خروج تحسین برانگیز دانشجویان با شعار "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر"، در فضای دانشگاه های کشور به صورت پیوسته طنین انداز است و در گستره ای به وسعت بیش از ۱۰۰ دانشگاه فریاد رهایی توده های کار و زحمت را پژواک می دهد. در این روزهای آتش و خون، در این روزهای سر بر کشیدن انقلاب، یک اتفاق شگرف در جامعه رخ داده است و آن ورود پر رنگ دانش آموزان به میدان مبارزه است. حضور دلیرانه و شوق برانگیز دانش آموزان، بویژه دانش آموزان دختر در کف خیابان ها، به مبارزات قهرمانانه توده های مردم ایران جسارت ویژه ای داده است. دختران دانش آموزی که با به آتش کشیدن تصاویر خمینی و خامنه ای فضای مدرسه را به صحنه نبرد با ۴۴ سال نماد تحجر تبدیل کرده اند. نوجوانانی که دلیرانه از مدرسه راهی خیابان می شوند، حجاب از سر بر می کشند و با سر دادن شعار "مرگ بر دیکتاتور" و "زن، زندگی، آزادی" شجاعت و قهرمانی را در کف خیابان ها تکثیر کرده اند. این مبارزات شورانگیز توده های مردم ایران در چهارمین هفته خود با اعتصاب سیاسی کارگران پروژه ای نفت در حمایت از مبارزات قهرمانانه مردم ایران همراه شد. تحولی بی بدیل که خون تازه ای در شریان مبارزاتی توده های بپاخاسته مردم ایران دمید و امید به پیروزی را در دل آنان دو چندان کرد.

وقوع تمامی این اتفاقات و صحنه های تحسین برانگیز مبارزاتی، آنهم در وضعیتی که جامعه از یک موقعیت انقلابی به آستانه انقلاب ورود کرده است، امری بسیار محتمل، ممکن و قابل پیش بینی بود. در کنار همه این قهرمانی ها و مبارزات سلحشورانه چهار هفته اخیر، آنچه جامعه را به تحسین و شوق واداشت، همانا ورود شجاعانه و متهورانه دانش آموزان- بویژه دانش آموزان دختر- به عرصه مبارزه و مقاومت و ایستادگی در مقابل ۴۳ سال آموزش جهل و خرافات در مدارس بود. این ورود زیبایی دانش آموزان به صحنه مبارزه که با برداشتن روسری در مدارس آغاز شد؛ با به زیر کشیدن قاب عکس های خمینی و خامنه ای از دیوار کلاس های درس تداوم یافت، با پاره کردن و سوزاندن و لگد مال کردن عکس های خمینی و خامنه ای در مدارس شتاب گرفت، با هو کردن مدیر حزب الهی در مدرسه، قدرت و اتحاد و همبستگی را تجربه کرد، با نفی حجاب اجباری و عصبانگری در خیابان ها حماسه آفرید و در نهایت با سر دادن شعار "مرگ بر دیکتاتور" و "زن، زندگی، آزادی"، پایه های نظام آموزشی ایدئولوژیک جمهوری اسلامی را به لرزه در آورد.

این حضور مبارزاتی دانش آموزان طی چهار هفته گذشته برای ارتجاع حاکم آنچنان سنگین و

چه شکوهی دارد شور و شوق مبارزاتی دانش آموزان!

اخص این بخش از سخنان فاشیستی وزیر به اصطلاح آموزش و پرورش و اکثس های تندی را در عرصه داخلی و بین المللی برانگیخته است. شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان با صدور بیانیه ای ضمن "بی مسولیت" و "بی کفایت خواندن" این به اصطلاح وزیر آموزش و پرورش، اعلام کرد: "دانش آموزی را که نتوانستید در مدارس به شیوه دلخواه خود اجتماعی اش کنید، اکنون در بازداشتگاه های اصلاح و تربیت قرار است تیشیر و تندی و تمشیت شود؟ چه دفاعی کرده اید از مدیر باشرفی که حاضر نشد تصاویر دوربین های مدرسه را در اختیار ماموران امنیتی قرار دهد و در حضور دانش آموزان بازداشت شد؟"

انجمن حمایت از کودکان ایران نیز با اشاره به حضور "گروه های سنی دهه ۸۰ و گاهی حتی دهه ۹۰" در اعتراض های اخیر، از "دستگیری و نگهداری کودکان در شرایط نامطلوب تا کشته شدن آن ها" ابراز نگرانی کرده است. کاترین راسل، مدیرعامل صندوق کودکان سازمان ملل (یونیسف) هم از "گزارش های مستمر در باره کشته و زخمی و بازداشت شدن کودکان و نوجوانان در ناآرامی های عمومی فعلی در ایران اظهار نگرانی شدید" کرده است.

با این همه و به رغم نگرانی های داخلی و بین المللی در مورد کشتار و دستگیری دانش آموزان، جمهوری اسلامی اما همچنان با ورود به مدارس در صدد زهر چشم گرفتن از دانش آموزان است. دانش آموزانی که شجاعانه دیوار ترس را فرو ریخته اند و با حضور خود در کف خیابان ها و به زیر کشیدن عکس های خمینی و خامنه ای در مدارس، خشم جمهوری اسلامی را برانگیخته اند.

این دانش آموزان سرکش که اینچنین رژیم را مستعصل کرده اند، نیروهای تازه نفسی هستند که نه سرکوب خونین دهه ۶۰ شاهد بوده اند، نه کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ را دیده اند و نه تجربه ای از آن سال ها دارند. اگر چه ممکن است پدر، مادر و یا عضوی از خانواده بسیار از این بچه ها سرکوب شدگان دهه ۶۰ و سال های بعد از آن باشند. مسلما تجربه بیرونی آنان فقط دیدن سرکوب خونین توده های مردم ایران در خیزش دی ماه ۹۶ و قیام آبان ۹۸ است که به کشتار هزاران نفر انجامید. آنان اما یک تجربه شخصی دارند و آن خشکانده شدن لبخند بر لبانشان، سرکوب نشاط و شادی و شور در جانشان و تحقیر و تهدید روزانه گشت کشتار و مزدوران رژیم در مدرسه و کوچه و خیابان در همین سال های کوتاه عمرشان است که این چنین آنان را به مصاف با جمهوری اسلامی کشانده است. دانش آموزانی سرکش و بی باکی که دیگر تسلیم زورگویی نمی شوند. دانش آموزانی در جستجوی لبخند و شادی های بی دریغ که از آنان گرفته شده است. بدین جهت آنان از جمهوری اسلامی، نیروهای بسیج، مدیران مزدور، گله های حزب الهی و همه آن کسانی که با رژیم همکاری می کنند، آنچنان عاصی و خشمگینند،

زنده باد مبارزه و مقاومت ستمدیدگان کردستان



فراخوان خود برای تظاهرات در روز شنبه ۲۳ مهر نوشتند: "مبارزه، فداکاری و جسارت تاریخساز زنان و جوانان در این زمانه سر نوشت ساز، نظام فاشیستی را به پرتگاه سقوط کشانده است. ۲۸ روز مقاومت مردم سنندج در این روزها یادآور ۲۴ روز مقاومت تاریخی مردم این شهر در سال ۵۸ علیه رژیم جنایتکار تازه تاسیس بود".

تجربه ای یک ماه اخیر نشان داد که سازمانیابی از چه اهمیت بسزایی برخوردار است. از همین رو در محلات، در محیط کار در مدارس و دانشگاه می باید با ایجاد کمیته های مناسب با محیط، مبارزات را سازمان و گسترش داد و با حرکت به سمت اعتصاب عمومی سیاسی شرایط را برای سرنگونی جمهوری فاشیستی اسلامی با قیام مسلحانه توده ها مهیا ساخت.

یک ماه اخیر نشان داد که آگاهی و روحیه ای انقلابی در میان توده ها به میزان زیادی افزایش یافته است. شعارهایی همچون "این دیگه اعتراض نیست شروع انقلابه"، "نگین هوش اعتراض این دیگه انقلابه" و "تا انقلاب نکرديم به خونه برنگرديم" به خوبی بازتاب دهنده افزایش آمادگی توده ها برای انقلاب است. در این دوران ویژه و انقلابی، آگاهی توده ها با سرعتی غیرقابل مقایسه با دوران رکود رشد می کند و بخشی از این آگاهی را در مبارزات امروز توده ها از جمله نحوه اعتراضات خیابانی شاهد هستیم، مبارزاتی که می رود تا نقطه ای پایانی بر دوران سیاه حکومت اسلامی بگذارد، مبارزاتی که توده های ستم دیده کردستان نقش برجسته در آن دارند.

ندارد چه رسد به توده های ستم دیده ای ایران که علیه این رژیم جنایت پیشه قیام کرده اند. در همین روزهای گذشته مبارزان آگاه در خیابان ستارخان پارچه نوشته های از فراز یکی از پل های هوایی اویزان کردند که بر روی آن به زبان های کردی، بلوچی، ترکی، فارسی و عربی شعار "زن زندگی آزادی" را نوشته بودند. در بلوچستان بر روی دیوارها همین شعار را با زبان بلوچی می نویسند. در مهاباد مردم شعار می دادند: "از کردستان تا تهران، مرگ بر دیکتاتور". "سنندج، زاهدان، خونین تمام ایران" یکی از شعارهای دانشجویان در روزهای اخیر بود. با انتشار خبر کمبود خون در بیمارستان های زاهدان، معلمان سقزی خون اهدا کردند. این ها همه نشانه ای اتحاد کم نظیری است که میان تمامی توده های تحت ستم کشور از هر قوم و ملیتی برای آزادی، برای برابری و برای کار و نان بوجود آمده است.

یک نکته مهم در مبارزات مردم کردستان، سازمانیابی آن هاست. تجارب قبلی به مردم نشان داد که در برابر دشمن مسلح باید پیش از پیش متشکل شد و این موضوع را در این دور از مبارزات مردم بویژه در کردستان به خوبی می بینیم. پراکنده شدن در محلات گوناگون و خسته و ناتوان کردن نیروهای سرکوب رژیم که در هر حال نسبت به مردم بسیار محدود هستند یکی از نتایج این سازماندهی است. تداوم اعتراضات یک نشانه ای مهم دیگر است که در دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ شاهد آن نبودیم.

در این روزها اطلاعیه های متعددی از کمیته های محلی در شهرهای گوناگون بویژه کردستان با امضای گوناگون همچون "جوانان انقلابی محلات مریوان" و یا "کمیته زنان و جوانان محلات سنندج منتشر شده است. نکته مشترک در تمامی این اطلاعیه ها تداوم مبارزه و اهمیت تشکل و سازمانیابی است.

برای نمونه "جوانان انقلابی محلات مریوان" در اطلاعیه خود در این باره نوشتند: "تشکل مهمترین ابزار مبارزه و مطالبه گری است... ما جوانان انقلابی محلات مریوان، دانش آموزان مدارس، دانشجویان دانشگاه ها، زنان شهرها و جوانان محلات را به اتحاد و تشکلیابی در کمیته ها و شوراهای مستقل فرا می خوانیم" و یا "کمیته زنان و جوانان محلات سنندج" در

در "مراکز روانشناسی" و یا "کانون های اصلاح و تربیت" نیست. پوشیده نیست این جوانان و دانش آموزان دستگیر شده فقط برای نجات خود، فقط برای بازگرداندن لبخند بر لبانشان، و فقط برای رهایی از پوشش اجباری یا به میدان نبرد ننهادند. آنها برای رهایی خود، خانواده شان و تمامی مردم ایران اینچنین بی مهابا در میانه میدان نبرد می رقصند. پس بیایید برای اینهمه شکوه مبارزاتی که آنان آفریده اند، همه با هم در این روزهای سخت مبارزه، در این روزهای دستگیری و دلنگی و انفرادی و زندان، تنهایشان نگذاریم. در کنار خانواده هایشان باشیم و برای رهایی آنان از زندان و بند پیگیرانه تلاش کنیم.

که دیگر هیچ پروایی از رویارویی مستقیم با آدمکشان جمهوری اسلامی ندارند. آنان، در این روزهای سرنوشت ساز، در این روزهای اعتراض و قیام و انقلاب، در این روزهای آتش و خون با هر تهاجم رژیم جری تری می شوند، گام هایشان استوارتر می شود و با امید به پیروزی، سلحشورانه تر از پیش گام به میدان مبارزه می گذارند. دانش آموزانی که اکنون بیش از هر زمانی به حمایت پدران و مادران شان نیازمندند، دانش آموزان و بازداشت شدگان نوجوانی که این روزها تا بلندی شور و شعور و شهامت قد کشیده اند و سهم شان آنگونه که وزیر فاشیست آموزش و پرورش مدعی شده است، هرگز بودن

پیام کمیته اجرایی سازمان فدائیان (اقلیت) به کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

رفقای عزیز!

با تبریک و درودهای گرم، و آرزوی موفقیت برایتان جهت دستیابی به اهداف کنگره حزبی تان. دهمین کنگره حزبتان در شرایطی برگزار می شود که جامعه ما در پی مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر، زنان، جوانان و توده های زحمتکش ایران برای تحقق یک انقلاب اجتماعی هم اینک از موقعیت انقلابی عبور و به آستانه انقلاب ورود کرده است.

در شرایط کنونی آنچه اکنون با آن مواجه هستیم، مبارزات سراسری و قهرمانانه توده های وسیع مردم ایران است که برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی با جسارتی کم نظیر در کف خیابان ها حضور پیدا کرده اند.

پوشیده نیست، در این وضعیت که جامعه در آستانه انقلاب قرار دارد، مهم ترین مسئله در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی، بسیج گسترده ترین بخش توده های مردم ایران و گردآوری یک لشکر سیاسی بزرگ در سراسر کشور است. لازم به یادآوری نیست که فقط یک اعتصاب سرتاسری سیاسی از یک چنین ظرفیت و قدرت بسیج کننده ای برخوردار است. چرا که این اعتصاب در کشوری که اکثریت بزرگ مردم آن را کارگران تشکیل می دهند، مقدم بر هر چیز، قدرت بسیج کننده عموم توده های کارگر حتی عقب مانده ترین بخش آن را داراست.

این اعتصاب به علت خصلت کارگری آن می تواند توده بیکاران، زحمتکشان و تهیدستان حاشیه شهرها را بسیج کند. از آنجایی که در اعتصاب عمومی سیاسی ایران، مطالبات سیاسی فراگیر جامعه در صدر مطالبات این اعتصاب قرار می گیرند، تحقق این امر می تواند توده های وسیع تر زنان، روشنفکران و عموم مردم آزادیخواه را بسیج نماید. لذا، تنها، اعتصاب سرتاسری سیاسی ست که می تواند لشگری چندمیلیونی را برای مبارزه های قاطعانه و ادامه دار با رژیم گرد هم آورد.

روشن است، وقوع چنین اعتصاب عمومی سیاسی بدون رهبری طبقه کارگر به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. اعتصابی که در نهایت با یک قیام مسلحانه توده ای قادر خواهد بود سرنگونی جمهوری اسلامی و پیروزی یک انقلاب اجتماعی را متحقق سازد. لذا، در این برهه حساس مسئولیت بسیار سنگینی بر دوش کارگران پیشرو، نیروهای کمونیست و همه سازمان های سیاسی مدافع طبقه کار است که بتوانیم گام های پر شتابی را برای سازماندهی یک اعتصاب عمومی سیاسی برداریم.

روشن است، تحقق این امر بجز با وحدت طبقاتی و سازمان یابی مستقل طبقه کارگر متحقق نخواهد شد. از این رو، همکاری مشترک و عملی همه نیروهای مبارز و چپ و کمونیست، بویژه همکاری مشترک شش جریان چپ و کمونیستی که اکنون تحت عنوان "شورای همکاری" در مسیر همگامی و اتحاد عمل گام برداشته ایم، بتواند بخشی از این فرآیند پیش رو باشد.

رفقای عزیز!

سازمان فدائیان (اقلیت) با ابراز صمیمانه ترین درودها، آرزو دارد دهمین کنگره حزبی تان با موفقیت به کار خود پایان دهد و تصمیمات آن متناسب با شرایط متلاطم و انقلابی ایران، گامی رو به جلو در تحکیم روابط و بستری مناسب برای تقویت و انسجام بیشتر فعالیت های مشترک میان سازمان های چپ و کمونیست در رسیدن به اهداف متعالی تر باشد.

**کمیته اجرایی سازمان فدائیان (اقلیت)
مهر ۱۴۰۱ - اکتبر ۲۰۲۲**



کار - نان - آزادی - حکومت شورایی

مرگت باد ای آیت مرگ و نیستی

تمام سال‌های نوجوانی ما تکراری گذشت. بدون ابتکاری، بدون هیچ تنوعی. با پیروی از یک الگوی تکراری در راه مدرسه در کلاس درس در پوشش و درکل، زندگی بدون ابداع چیزهای جدید سپری شد. امروز نسل جوان جامعه به‌درستی پا در خیابان می‌کوبد و برای برهم زدن قوانین کهنه ارتجاعی می‌جنگد. تنها روسری نیست بلکه از پیروی از یک الگوی تکراری مذهبی مردسالار بیزار و دل‌زده است. روزی هوا سرد بود کلاهی پشمی را روی مقنعه سرم گذاشته بودم حاجام از همیشه کامل‌تر بود. گشت ارشاد مرا گرفت به وزرا برد. آنجا بود که فهمیدم کلاه برای دختران ممنوع است. تعهد گرفتند که دیگر الگوی تکراری موردپسند حاکمیت زن‌ستیز را زیر پا نگذارم. شک دارم دختران نسل من حداقل یکبار تجربه دستگیری توسط گشت ارشاد منحوس را نداشته باشند و سوار ون نشده باشند. از تیرماه امسال می‌خواستند همراه باخدای سال شصت، گشت ارشاد را هم به شکل وحشیانه‌تر و هماهنگ‌تری به شکار جوانان بفرستند که فرستادند و شکار کردند. کشتند و سر به نیست کردند اما خدای سال شصت در همان سال شصت مرده بود، دفن شده بود و به دادشان نرسید. کارگران و مردم ستم دیده دیگر تحمل این بی‌حقوقی‌ها بی‌حرمتی‌ها و کشتار دخترانشان توسط وحوش گشت ارشاد را تاب نیاوردند. زنان و جوانان همراه با مردم زحمتکش و دانشجویان آگاه و مبارز در خیابان‌ها آرام و فرارشان را گرفتند.

ما، در خانه با ترس و لرز مهمانی می‌گرفتیم پنهانی می‌رقصیدم یواشکی عاشق می‌شدیم. افسوس چه دختران جوانی که طعم عشق را نچشیدند و به ازدواج اجباری تن دادند و زندگی نکردند. جوانان خواهان تغییرات بنیادی در تمام عرصه‌های زندگی هستند. جامعه دیگر، امکان پذیرش این تفکرات عقب‌افتاده قرون وسطایی را ندارد و اینجاست که انقلاب را تنها راه رسیدن به آزادی می‌داند. به‌جرت می‌توان گفت در آن همه سال‌های گذشته مردم زندگی نکردند نفس نکشیدند. روزهای تکراری و یکنواختشان را عقریه‌های ساعت جلو می‌برد ولی بویی از زندگی به مشام کسی نمی‌رسید. در تمام دقایق مردم به فکر نابودی رژیم استعمارگر و جنایتکار جمهوری اسلامی بودند. لحظه دیدار سال نو از یکدیگر می‌پرسیدند یک سال هم گذشت پس این‌ها کی می‌روند. ما نسل دهه شصت در تمام سالیان دور به‌محض این‌که سر سالم از زندان‌ها و بگیر و ببندها درآوردیم دشنه‌هایمان را تیز کرده‌ایم.

در افشای جنایات رژیم در سالیان حیات ننگین و فاسد بی‌وقفه سخن رفته است. بی‌سبب نیست نسل جوان آگاه با چنین خشم و نفرتی مشت‌هایشان را بالا می‌پرند و مرگ بی‌چون و چرای رژیم دیکتاتور خون‌خوار را خواهان‌اند.

خفاش کور! بعید میدانم با آن همه بلاهت و حماقت بدانی شعار زن زندگی آزادی یعنی چه؟ گوش‌های درازت را تیز کن تا بشنوی. (زن) یعنی زن حق زندگی طبق خواست و اراده خودش را دارد. آزاد و رها از ستم مردسالاری. بدون وجود رژیم منحوس مردسالار و زن‌ستیز تو، خرمن گیسویانش را به باد بدهد؛ برقصد؛ شادمانی کند. برای زندگی، پوشش، تحصیلات، حرفه و زندگی‌اش با استقلال کامل تصمیم‌گیری کند. این ابتدایی‌ترین حقی است که زن باید داشته باشد. اما در رژیم ارتجاعی تو، برای زنان به آرزویی دوردست و مرگبار تبدیل‌شده است که باید در خیابان‌ها برای آن بجنگند و کشته بدهند. (زندگی) دیگر حتی کودکان دانش‌آموز دانسته‌اند تو آیت مرگی. ضد شادی و نشاط هستی. همه چشمه‌های زندگی و حیات را برای مردم خشکانده‌ای. محیط‌زیست و طبیعت را قربانی اهداف سرمایه‌داری، قربانی اهداف سودجویانه اربابان سرمایه‌داری کرده‌ای. محیط‌زیست مردم را به ویرانی کشانده‌ای. زندگی کارگران و زحمت‌کشان را در نظام بی‌رحم و استعمارگر سرمایه‌داری تباه کرده‌ای. فقر، تورم، گرانی، بیکاری زندگی کارگران و مردم زحمتکش و اکثریت مردم را نابود کرده است. کارگران و مردم تهیدست زحمتکش، سال‌هاست به ماهیت کثیف رژیم سرمایه‌داری و اسلامی تو پی برده‌اند و اکنون در کنار جوانان و دانشجویان مبارزه برای نابودی کل سیستم فاسد سرمایه‌داری به میدان آمده‌اند. مردم آگاه با شعار کارگر نفت ما رهبر سرسخت ما به‌درستی نشان دادند رهبری طبقه کارگر تنها راه نجات توده‌ها و رنجبران ستم دیده است.

حاکمیت دیکتاتوری مرتجع تو از تاریک‌ترین لایه‌های پوسیده تاریخ سر برآورده‌است. پوسیده‌ترین بندهای کهنه مذهب و خرافات را دستاویز خواسته‌های ارتجاعی خودت قرار داده‌ای و زندگی مردم را سیاه کرده‌ای. پدران و مادران ما را در سال‌های خون‌ریز دهه شصت کشتید چراکه نظم سرمایه‌داری شما را مورد هدف قرار داده بودند و از طبقه کارگر و شوراهای کارگران در کارخانه‌ها و محلات تشکیل داده بودند حمایت می‌کردند. اما آزادی را که سالیان طولانی است در زندان‌های تو در بند است، مردم می‌خواهند آزاد کنند. پروبال آزادی را چیده‌ای بال‌های آزادی خونین است. هر زمان کسی سخنی از آزادی راند، در زندان را برایش باز کردی اما ببین از هم‌اکنون قاصدک‌های آزادی بر پشت‌بام‌ها به پرواز درآمده‌اند. آرزوهای بزرگ مردم ستم دیده ما برای لحظه‌ای آزاد بودن. آزادی داشتن در یک جامعه سالم انسانی آرزو نیست حق مسلم و بیهی مردم است. زندگی مردم خالی از زندگی است. تهی از آزادی است. جای تمام خالی‌های وجودم، جای تمام خالی‌های وجودمان را با فریاد مرگ بر نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی پر خواهیم کرد. با شروع فرخنده اعتصابات کارگران گل‌های انقلاب شکوفه داد. با اتحاد کارگران و زحمت‌کشان دانشجویان و جوانان مبارز، مرگت را مردم زحمتکش روزشماری می‌کنند. یوغ بندگی را کارگران از پای رنجبران و ستمکشیدگان می‌گسلند. تو با تمام نظام و حاکمیت خونین و سرکوب‌گرت در لهیب آتش خشم مردم نابود خواهی شد. مرگت باد ای آیت مرگ و نیستی مرگت باد ای جلاذ خون‌خوار جنایتکار!

زنده‌باد انقلاب

زنده‌باد آزادی

زنده‌باد حکومت شورها

زنده‌باد سوسیالیسم

۲۴ مهر ۱۴۰۱

فعال سازمان فدائیان (اقلیت) - داخل کشور



زنده باد کارگران صنعت نفت

پیش به سوی اعتصابات سراسری کارگری

ورود کارگران صنعت نفت به صحنه سیاسی ایران در پالایشگاه های سلولیه، بوشهر و به دنبال آن آبادان، در حمایت از خیزش انقلابی زنان، جوانان و توده های مردم تحت ستم و استثمار باهدف سرنگونی نظام سرمایه داری و مذهبی حاکم در صورت گسترش سریع، میتواند توازن قوا به نفع جنبش انقلابی از یک طرف و شرایط عینی در جهت گسترش جنبش کارگری - سوسیالیستی، از طرف دیگر را تغییر دهد.

بعد از سالها مبارزه صنفی و سیاسی و مطالباتی و کسب تجربه شکستها و پیروزی ها، این بار بخش پیشتاز کارگران صنعتی، با شعار مرگ بر دیکتاتور به میدان آمده اند. رفقایشان در بخش های دیگر اخطار کرده اند که "اگر دستگاه امنیتی - انتظامی رژیم، دست از اقدامات سرکوبگرانه خود بر نداشته و به خون و خونریزی پایان ندهد، آنها نیز وارد اعتصاب خواهند شد." تجربه جنبش ضد سلطنتی در سال 57 و ورود پیروزمند کارگران شرکت نفت با اعتصابات که به سرعت به اعتصاب سراسری بدل شد و پایه های رژیم سلطنتی را به لرزه درآورد، خواب از چشمان حاکمان جبار ربوده است. خبرهایی که از شکاف سانسور درز میکنند نشان از هراس، اختلاف نظر شدید و دستپاچگی مسئولان سرکوب دارند. هراسی که ناشی از گسترش سریع، طولانی شدن بیسابقه مبارزه خیابانی و جنبش پرتوان کارگران است که شیشه حیات رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی در دستان پرتوانشان است.

اگر جنبش "زن، زندگی، آزادی" زمینه سیاسی ورود کارگران به مبارزه بلاواسطه سیاسی را فراهم کرده و طلسم اعتصاب سیاسی کارگران پس از یک دهه جنگ و گریز مطالباتی شکسته شد، و ورود کارگران به جنبش عمومی سراسری نیرو و انرژی تازه ای می بخشد.

این دو از یکدیگر نیرو گرفته و به هم انرژی میدهند، اما این گسترش اعتصاب خیابانی و تبدیل آن به یک قیام کارگری - توده ای است که سرنوشت نظام حاکم را رقم خواهد زد. ورود درخشان کارگران نفت به صحنه سیاست این چشم انداز را بیش از پیش محتمل و روشن تر کرده است. زمان آن فرا رسیده است که کارگران انقلابی و سوسیالیست در دل این اعتصابات زمینه جنبش شورائی آتی را از همین امروز تدارک ببینند.

امروز تشکیل شوراها و کمیته ها ی محلات آن ظرفی است که اجازه همگرایی سریع و بلاواسطه همه فعالان حاضر در نبرد خیابانی و نیز جنبش اعتصابی را میدهد.

تجربه انقلاب شکست خورده بهمین به ما می آموزد که کارگران و زحمتکشان باید از همین امروز در صدد پی ریزی دولت کارگری- شورائی خود باشند و به هیچوجه رهبریکسانی را که بر فراز جنبش اعتصابی و قیام، با دعوت زحمتکشان به آرامش و دادن وکالت به آنها برای بند و بست میان جناحهای مختلف طبقه حاکم تلاش میکنند نپذیرند.

قدرت در دست شما و از آن شماست!

زندانی سیاسی بی قید و بی وثیقه آزاد باید گردد
مرگ بر رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی؛ زنده باد سوسیالیسم
شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
نوزدهم مهرماه ۱۴۰۱ برابر با ۱۱ اکتبر ۲۰۲۲

امضاها: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت



جان زندانیان سیاسی در زندان اوین

در خطر است!

مردم آزادی خواه

گزارشات و تصاویر منتشرشده در شبکه های اجتماعی شب گذشته بیست و سوم ماه مهر ۱۴۰۱ برابر با ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۲، آتش سوزی و صدای تیراندازی های ممتد و ظاهرا شلیک از بیرون در زندان اوین مشاهده و شنیده شده است. در حین این اتفاق رژیم مزدوران بسیاری را از سطح شهر به زندان و سمت آن گسیل کرد. بر اساس همین گزارشات این آتش سوزی لحظه به لحظه گسترش یافته و صدای آژیر شنیده میشود. علاوه بر محبوس بودن زندانیان سیاسی قدیم، بسیاری از بازداشتی های خیزش انقلابی موجود که سرنگون کردن رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را مورد هدف خود قرار داده اند و همچنین تعدادی از دانش آموزان بازداشتی در این محل بسر میبرند و این واقعه میتواند فاجعه ای انسانی در پی داشته باشد.

آتش سوزی در زندان اوین و تیراندازی در آن بدون تردید در پی اعتراض و اعتصاب زندانیان سیاسی و حمایت از خیزش انقلابی مردم برای سرکوب زندانیان سیاسی و دستگیرشدگان اخیر صورت گرفته و برای جنایتکاران حاکم می تواند فرصتی برای قتل عام زندانیان سیاسی عقیدتی باشد.

تجربه جنایت انجام گرفته سال ۶۷ بیانگر این است که رژیم جانی و خونخوار اسلامی برای رهایی و مرعوب ساختن جوانان و مردمان حاضر در کف خیابانهای تمامیت ایران که پا به میدان گذاشته اند که دودمان این رژیم فاشیست را به باد دهند و او را برای همیشه به زباله دان تاریخ بفرستند ، بنا به ماهیتش می تواند هر جنایتی را مرتکب شود.
جان زندانیان سیاسی در تمامی زندانهای سراسر ایران در خطر است.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست با نگرانی سناریویی که که رژیم جنایتکار اسلامی برای سرکوب و قتل عام زندانیان سیاسی و دستگیرشدگان خیزش انقلابی مردم تدارک دیده است دنبال می کند. مسئولیت جان تک تک زندانیان و هرگونه اتفاقی ناگواری را متوجه این رژیم رو به سرنگونی میدانند و از تمامی کارگران ، دانشجویان، دانش آموزان و مردم آزادی خواه می خواهد نسبت به این واقعه بی توجه نبوده و تلاش خود برای به زیر کشیدن این رژیم غیر انسانی و فاشیست را چند چندان کنند.

زندانی سیاسی بی قید و بی وثیقه آزاد باید گردد
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی؛ زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

بیست و چهار مهرماه ۱۴۰۱ برابر با ۱۶ اکتبر ۲۰۲۲

امضاها: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

خامنه‌ای یا وه‌سرائی می‌کند، راهی برای نجات جمهوری اسلامی باقی نمانده است

که خارجی‌ها سازمان داده‌اند و گفت: " امروز دخالت دشمنان در این حوادث اغتشاشات خیابانی مورد تأیید همه است. این‌چنین نیست که حالا یکی ادعا کند، یکی بگوید آقا به چه دلیل؛ نه، همه قبول دارند این راه، یعنی واقعاً روشن شده، واضح شده."

بله! دیکتاتور ادعا می‌کند جنبش بزرگ مردم ایران که از اعماق جامعه ایران برخاسته و سراسر کشور را فراگرفته، "اغتشاش" است و به "تحریک" خارجی‌ها شکل گرفته است و "همه" قبول دارند این راه "البته منظور هم از "همه" یعنی شخص دیکتاتور. از همین رو به پامبری‌هایش هم توصیه می‌کند: " هر کدام از این آقایان در این زمینه نظری میدهند، صحبت میکنند، باید به این توجه داشته باشند و توجه بدهند."

خامنه‌ای به عظمت جنبش انقلابی توده‌های مردم ایران علیه نظم حاکم، اعتراف بکند یا نکند در این واقعیت تغییری رخ نمی‌دهد که توده‌های وسیع مردم که به‌عینه دریافتند، حکومت جانشینان خدا و پیغمبر خدا چیز دیگری جز حکومت استثمارگران، زندان، غارتگران، تمام انگل‌های اجتماعی، ستمگران و آدمکشان نیست، برای سرنگونی آن به پا خاسته‌اند. گویا این مرتجع کودن چنین می‌پندارد با اراجیف خود می‌تواند واقعیت انزجار بی‌کران میلیون‌ها تن از مردم ایران از نظم ستمگر و ارتجاعی حاکم را که در موج مبارزات اخیر انعکاس یافته، انکار کند و بر آن سرپوش بگذارد. برعکس، این یاوه‌سرایان‌ها خشم و انزجار مردم ایران را از طبقه حاکم و نظم موجود افزایش داده و همان‌گونه که تاکنون دیده‌ایم، امواج وسیع‌تری از توده‌های ناراضی مردم ایران را به رودروئی مستقیم با جمهوری اسلامی سوق داده و خواهد داد. اما او از این اراجیف چه نتیجه‌ای می‌خواهد بگیرد؟

او به قصابخانه آدم‌کشی اسلامی‌اش موسوم به دستگاه قضائی و امنیتی فرمان می‌دهد که دست‌به‌کار شوید: " حکم این‌هایی که می‌آیند در خیابان یک‌جور نیست؛ بعضی‌ها یا عامل دشمنند یا اگر عامل دشمن هم نیستند، هم‌جهت با دشمنند و با همان اهداف می‌آیند به خیابان؛ بعضی‌ها هم نه، هیجان‌زده‌اند؛ اینها یک حکم ندارند. این دسته‌ی دوم را با کار فرهنگی باید درست کرد. دسته‌ی اول را نه، مسئولین قضائی و امنیتی موظفند کارهایشان را انجام بدهند."

در اجرای اوامر رئیس جلاخان و آدمکشان، از راهی رئیس قصاب خانه آدم‌کشی اسلامی، نیز واکنش نشان داد و گفت: "در برهه خاصی از زمان زندگی می‌کنیم؛ در این برهه، خداوند به ما توفیق قرار گرفتن در جایگاهی خظیر را عطا فرموده است؛ فلذا باید از این جایگاه حقوقی در

راستای تحقق آرمان‌های الهی و خدمت به‌نظام اسلامی و مردم بهره بگیریم."

لذا مقرر داشت "در راستای تحقق آرمان‌های الهی و خدمت به‌نظام اسلامی" "دلسوزی بیجا و احکام ضعیف در مورد عناصر اصلی، ظلم است. قضات، از ساده‌انگاری و دلسوزی بیجا و صدور احکام ضعیف در قبال عناصر اصلی این آشوب‌ها" پرهیز کنند. در پی او، "دادستان تهران از صدور کیفرخواست برای ۶۰ نفر از دستگیرشدگان" خبر داد.

وی گفت: " پرونده‌هایی که در دستگاه قضایی تشکیل شده است با دقت و سرعت‌بالا مورد بررسی قرار خواهند گرفت. بازرسان، دادیاران و معاونان دادستانی تهران شبانه‌روز مشغول بررسی پرونده بازداشتی‌های اغتشاشات هستند، برای بسیار از پرونده‌ها کیفرخواست تنظیم شده است. در یک مرحله برای ۶۰ پرونده کیفرخواست صادر و پرونده این افراد برای دادگاه ارسال خواهد شد. لذا هدف این است تا ظرف هفته آینده پرونده اغتشاشگران بررسی و به دادگاه ارسال شود." این در حالی است که تا کنون هزاران تن از مبارزان به اسارت آدمکشان درآمده‌اند و هم اکنون زیر شدیدترین شکنجه‌های جلاخان دستگاه امنیتی و اطلاعاتی برای پرونده‌سازی قرار دادند.

در همین حال محاکمه اعضای شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان و سندیکای کارگران شرکت واحد از هفته گذشته آغاز شده است.

به رغم این تهدیدات و وحشی‌گری دستگاه سرکوب، اما تجربه چند سال اخیر به ویژه از سال ۹۶ تا به امروز به‌وضوح نشان داده است که نه وحشی‌گری سگ‌های هار زنجیری رژیم در خیابان‌ها علیه مردمی که با دست‌خالی در حال نبرد با دشمنان بشریت‌اند و نه احکام سنگین قصابخانه آدمکشی حکومت اسلامی برای مبارزان اسیر، هیچ‌یک نه توانسته و نه می‌تواند توده‌های مردم ایران را مرعوب و از مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی بازدارد. ارتجاع، کودن است و مرتجعینی امثال خامنه‌ای و دارو دسته‌اش هنوز نفهمیده‌اند که اوضاع سیاسی کنونی، اوضاع سیاسی دهه شصت نیست که با کشتار و زندان و ایجاد جو رعب و وحشت بتوانند به حیات خود ادامه دهند.

در دهه شصت که رژیم تعرض خود را برای سرکوب و کشتار آغاز کرد، اوضاع سیاسی جامعه بسیار متفاوت از امروز بود. گرچه میلیون‌ها تن از مردم به مبارزه علیه رژیم روی آورده بودند، اما هنوز این مبارزات به یک اعتلای پدروانه و گسترده ارتقاء نیافته بود، هنوز توده‌های وسیع مردم به اعتراضات و تظاهرات پدروانه سراسری روی نیاورده بودند. بحران سیاسی به یک موقعیت انقلابی ارتقاء نیافته بود و

توازن قوای سیاسی به نفع رژیم بود. امروز اما اوضاع سیاسی به‌گونه‌ای است که جامعه ایران در یک موقعیت انقلابی قرار گرفته است. یعنی توده‌های مردم در سراسر کشور آشکارا نشان داده‌اند که دیگر نمی‌خواهند و نمی‌توانند نظم حاکم را تحمل کنند و حاضر به جان‌فشانی در راه سرنگونی آن هستند و طبقه حاکم، غرق در بحران‌هایی است که راه رفرم را مسدود کرده‌اند و دیگر نمی‌تواند به شیوه گذشته بر مردم حکومت کند.

در آن ایام هنوز اکثریت مردم ایران، ناآگاه و مذهبی بودند، پی به ماهیت ارتجاعی دولت دینی نبرده بودند، از روی ناآگاهی به رژیم اعتماد داشتند و گروه کثیری نیز منفعل و بی‌طرف مانده بودند، امروز برعکس، نه فقط اکثریت بسیار بزرگ مردم ایران پی به ماهیت ارتجاعی رژیم برده‌اند، بلکه خواهان سرنگونی آن و برافتادن ننگ دولت دینی از ایران هستند.

در آن ایام، اکثریت جوانان ناآگاه، فرمان‌بردار خمینی بودند و از زیر فشار جو ناسیونالیستی ناشی از جنگ قرار داشتند و به جبهه‌های جنگ اعزام می‌شدند، امروز جوانان آگاه و باسواد، تحصیل‌کرده و مبارز، تمام مقدسات خمینی و جانشینان او را به آتش می‌کشند. در آن ایام اکثریت زنان با طرفدار دولت دینی و خمینی بودند، یا منفعل و بی‌طرف، امروز اما اکثریت بزرگ زنان، مبارزان آگاه علیه جمهوری اسلامی‌اند و در پیشاپیش تظاهرات و نبردهای خیابانی در حال مبارزه‌اند. در آن ایام بخش بزرگی از کارگرانی که از روستاها به شهرها سرازیر شده بودند، بی‌سواد و مذهبی بودند و هنوز خصائل و فرهنگ کارگری را کسب نکرده بودند، امروز اما یک جمعیت بزرگ ۱۲ میلیونی کارگران عموماً باسواد و با فرهنگ در ایران وجود دارد که طی چهار دهه گذشته تمام خصائل کارگری را کسب کرده، در جریان مبارزات آبدیده شده و پرچمدار مبارزات سال‌های اخیر علیه جمهوری اسلامی و طبقه سرمایه‌دار بوده است. در آن ایام، توده تهیدست و بی‌کار حاشیه‌نشین شهرها، طرفدار جمهوری اسلامی بود، امروز آن‌ها به یک نیروی شورشی علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده‌اند.

در آن ایام این رژیم ارتجاعی و ضدانقلابی جمهوری اسلامی بود که با آمادگی برای پایان دادن کامل به انقلاب و بازپس گرفتن تمام دست‌آوردهای انقلاب، تعرض گسترده خود را آغاز کرد، امروز برعکس، این توده‌های وسیع مردم‌اند که در موضع تعرضی قرار گرفته، جنبش پی‌درپی اعتلای نوینی می‌یابد و به اشکال عالی‌تری ارتقاء می‌یابد و طبقه حاکم در موضعی تدافعی قرار گرفته است. در آن ایام، جنگ، عاملی برای برانگیختن احساسات ناسیونالیستی به نفع رژیم شده بود و طبقه حاکم با برافروختن و ادامه آن دستاویزی برای سرکوب پیدا کرده بود، امروز دیگر رژیم چنین وسیله‌ای برای توجیه سرکوب و کشتار در اختیار ندارد. در آن

در صفحه ۱۱

زنده باد سوسیالیسم

خامنه‌ای یا وه‌سرائی می‌کند، راهی برای نجات جمهوری اسلامی باقی نمانده است

ایام کشتار هزاران عضو سازمان‌های سیاسی و به بندکشیدن ده‌ها هزار تن حتی به گوش میلیون‌ها تن از مردم ایران رسید و سال‌ها در جامعه انعکاس نیافت، امروز، پیشرفت علم و تکنیک به جایی رسیده که هر اتفاقی در ایران رخ می‌دهد به‌رغم تلاش‌های مذبوحانه ارتجاع، در فاصله چند دقیقه نه‌فقط در سراسر ایران بلکه در سطح جهان انعکاس پیدا می‌کند و رژیم را رسواتر می‌کند. خامنه‌ای و دارو دست‌های بی‌پوده می‌پندارند که در موقعیت دهه ۶۰ قرار دارند و با تهدید، سرکوب، زندان و کشتار می‌توانند، مانع از سرنگونی جمهوری اسلامی شوند. آن‌ها البته جز خشونت، سرکوب، زندان و کشتار وسیله‌ای برای دفاع از موجودیت خود و نظم پوسیده سرمایه‌داری حاکم ندارند و تا آخرین لحظات حیات ننگینشان آن را به کار می‌گیرند. مردم ایران نیز این را می‌دانند و قطعاً برای خنثی کردن اقدامات وحشیانه رژیم به روش‌ها و شیوه‌های نوین و عالی‌تری از مبارزه از جمله اعتصابات سراسری روی خواهند آورد. مردم ایران که از جنایت بزرگ کشتار زندانیان سیاسی دهه ۶۰ به ویژه کشتار دستجمعی زندانیان در سال ۶۷ توسط حکومت اسلامی آدم‌کش مطلع‌اند، می‌دانند که خطر بزرگی زندانیان سیاسی را تهدید می‌کند. رویداد اخیر زندان اوین که هنوز علت و ابعاد آن برملا نشده، اما رژیم تا کنون خبر کشته شدن ۴ زندانی و ۶۱ مصدوم را رسماً اعلام کرده است، باید یک زنگ خطر جدی باشد. از این رژیم جنایتکار، هر جنایتی ساخته است. لذا باید در جریان هر مبارزه‌ای شعار آزادی زندانی سیاسی را سر داد، به هر شیوه ممکن برای رهائی آن‌ها از چنگال جلادان تلاش کرد و با مبارزات بی‌امان درب زندان‌ها را گشود و زندانیان سیاسی را آزاد کرد.

پیروزی در مبارزه از آن توده‌های مردم ایران است. میلیون‌ها تن از مردمی که به پا خاسته‌اند، از این قدرت و توان برخوردارند که با تمام ماشین سرکوب رژیم مقابله و جمهوری اسلامی را سرنگون کنند. خامنه‌ای و تمام دارو دسته مرتجع حاکم باید پنبه تکرار سرکوب و کشتار دهه ۶۰ را از گوش خود درآورند. محال است آن‌ها بتوانند از این بحران جان سالم بدر برند. راهی برای نجات جمهوری اسلامی و تمام مرتجعین و ستمگران حاکم باقی نمانده است.

توطئه کشتار زندانیان سیاسی اوین را خنثی کنیم



رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی درصدد ارتکاب یک جنایت فجیع دیگر برآمده و قصد دارد زندانیان سیاسی زندان اوین را کشتار کند. نیروهای یگان ویژه که از روز گذشته در بند هفت زندان اوین مستقر شده‌اند، با سردادن شعار "حیدر حیدر" خود را برای سرکوب خونین زندانیان آماده کرده‌اند.

نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی، از ساعتی پیش به بهانه درگیری میان محکومین جرائم مالی و آتش‌سوزی در کارگاه خیاطی، تمام راه‌های منتهی به زندان اوین را مسدود کرده‌اند. صدای انفجار و تیراندازی‌های ممتد همراه با یک آتش‌سوزی بزرگ جان زندانیان زندان اوین به‌ویژه جان زندانیان سیاسی را در معرض خطر مرگ قرار داده است. سرکوبگران مستقر در زندان اوین، این هدف جنایتکاران را تعقیب می‌کنند که در شلوغی آتش‌سوزی، زندانیان سیاسی را به رگبار ببندند و کشتار کنند.

هم‌اکنون گروهی از نیروهای سرکوبگر رژیم در جلو زندان اوین مستقر شده‌اند و با تیراندازی و شلیک گاز اشک‌آور، از نزدیک شدن مردم به محل ممانعت می‌کنند تا نقشه‌های شوم خود را اجرا کنند.

مردم آزادی‌خواه تهران

جان زندانیان به‌ویژه زندانیان سیاسی در زندان اوین در خطر است. به هر شکلی که می‌توانید به یاری زندانیان برخیزید. چیزی به پایان عمر نکبت‌بار رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی باقی نمانده است. ارتجاع حاکم در آخرین روزهای حیات ننگین خود ممکن است به هر جنایتی دست بزند. به یاری فرزندان خویش بشتابیم و اجازه ندهیم جنایتکاران و آدم‌کشان جمهوری اسلامی، به بهانه آتش‌سوزی یا به هر بهانه دیگری، زندانیان سیاسی و سایر زندانیان را کشتار کنند. به یاری زندانیان برخیزیم و توطئه کشتار زندانیان سیاسی زندان اوین را خنثی کنیم.

مرگ بر رژیم جنایتکار و توطئه‌گر جمهوری اسلامی

زنده‌باد مبارزات توده‌ای و نبردهای خیابانی

برای تعیین تکلیف نهایی بانظم حاکم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی

زنده‌باد آزادی - زنده‌باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

شامگاه ۲۳ مهر ۱۴۰۱

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی



خامنه‌ای یا وه‌سرائی می‌کند، راهی برای نجات جمهوری اسلامی باقی نمانده است

خامنه‌ای و ارگان‌های تحت امرش بر دامنه تهدیدات خود افزوده و به تهدید مجازات هزاران بازداشت‌شده روی آورده‌اند، تا شاید با این وحشی‌گری مردم را مرعوب سازند. صبح روز چهارشنبه ۲۰ مهر، خامنه‌ای در دیدار با گماشتگانش در مجمع تشخیص مصلحت، بار دیگر تهدیدات چند روز گذشته خود را تکرار کرد و خواستار مجازات بازداشت‌شدگان موج جدید جنیش اعتراضی مردم ایران شد. او نخست اراجیف همیشگی‌اش را علیه مبارزات میلیون‌ها تن از مردم ایران که سرتاسر کشور را فراگرفته است تکرار کرد، آن را اغتشاشی خواند در صفحه ۱۰

خامنه‌ای گرفته تا فرماندهان مزدور نیروهای مسلح، یکی پس از دیگری پی‌درپی به تهدید متوسل می‌شوند. فرمانده سپاه آدمکش محمد رسول‌الله که به همراه تمام لات‌ها و چاقوکش‌های بسیجی‌اش در این چند هفته اخیر سیلی محکمی از مردم تهران دریافت کرد، تهدید می‌کند که ۲۸۰ گردان بسیجی را آماده مقابله با مردم تهران کرده است. در این چهار هفته، آدم کشان نیروهای مسلح رژیم، صدها تن از مردم ایران را به قتل رساندند، صدها تن را زخمی و هزاران تن را بازداشت کردند و حتی به کودکان کم سن و سال مدارس هم رحم نکردند. بالین‌همه، اوضاع آرام نگرفته و خواهد گرفت. اکنون

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایند.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 992 October 2022



tvshorashora@gmail.com

تلویزیون دموکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای زحمتکش و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیسم بپیکار می کنند

اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آنلاین شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدین‌وسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره‌ای ۲۴ ساعته تلویزیون آنلاین شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد و تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیون‌های، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه‌های خود را بر روی این کانال ماهواره‌ای پخش خواهد کرد. برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتیوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می‌باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به‌وقت ایران و در روزهای سه‌شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به‌وقت ایران برنامه‌های خود را از ماهواره یاه ست پخش می‌کند. مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی آنلاین شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 - پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی - سمبول ریت 27500 - FEC: ۳/۲

مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: shora.tv@gmail.com

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی